



## روح زمانه و واقعه ویکی لیکس

دوجبهه وصف ارائی گسترده از موافقین و مخالفین در مقیاس جهانی پیرامون این رخداد شکل گرفته است. مثل هر رویداد تاریخی دیگر باین دلیل مهم است که حامل تقابل نظم حاکم با روند در حال انکشاف و روبلوی است که در زیر پوست تحولات جهانی جریان دارد. جاپای روندهای عام و فراموردی در خاص و در این گونه رخدادها به آن ها اهمیتی نمادین و بیکه می دهند. تحولاتی که در ژرفا جاری اند عموماً در رویدادهای ریز و درشت معمولی توجهی را بر نمی انگیزند؛ اما برخی رویدادها چنان آن را کانونی می کنند و از ژرفا به صحنه می آورند که به واقعه تاریخی و تأمل برانگیزی تبدیل می شوند. بر همین اساس است که یکی از ژرنالیست های فرانسه آن را رویدادی میدانکه تاریخ رسانه ای جهان را به دوران قبل و بعد از ویکی لیکس تقسیم می کند. سر مقاله نویس فیگارو آن را آغاز "دیکتاتوری شفافیت" می نامد که گویا قربانیانش صاحبان قدرتند! دیگری آن را کنار زدن برگ انجیری می داند که پیکر {زشت} نظام حاکم را نمایان می سازد. یک پژوهشگر دانشگاه در آمریکا می گوید اگر آمریکا آسانتر را محاکمه کند، او را به چه گواری قرن بیست و یکم تبدیل می کند. روزنامه لیبراسیون از شروع جنگ جهانی نوع جدید، جنگ سایبری، سخن به میان می آورد. دریکسو: انبوه روشنفکرانی چون چامسکی ها فرار می گیرند که در دفاع از چرخش آزاد اطلاعات و مسدود ساختن سایت ویکی لیکس و منابع مالی و دستگیری مدیرمسؤل آن را محکوم می کنند و کمیسر حقوق بشر سازمان ملل نگرانی خویش را از سانسور اعلام می کند. سایت ها و مؤسساتی که به نوبه خود آماج تهاجم آوانگاردها و هکرهای مدافع این جریان آزاد قرار می گیرند، و آن صدهزار وبلاگی که با دریافت کدرمزویژه پیشاپیش آمادگی خود را برای انتشار این اطلاعات در صورت بلوکه کردن پایگاه اصلی اطلاع رسانی اعلام می دارند. آنها اعلام می دارند که قفل سانسور را در هم خواهند شکست و اجازه نخواهند داد که تهدید و سانسور جریان آزاد اطلاع رسانی را مختل نماید. کمپین حامیان آزادی اطلاعات به کار می افتد و ترافیک مصنوعی و حملات سایبری به سایت های مخالف ویکی لیکس و مدافع حق پنهان کاری دولتها برآه می افتد. انتشار همزمان این اسناد توسط رسانه ها و سایت های ویکی لیکس با نیویورک تایمز و گاردین و اسپیکل و... علیرغم آنهمه تهدید ها و خط و نشان کشیدن ها، حتی علیرغم انتقادات گاردین به ویکی لیکس حاکی از آنست که شکاف پیرامون این مساله در اردوی سرمایه تاچه حد گسترده است\* در سوی مقابل: شاهدیم که دیپلماسی آمریکائی چگونه با راه انداختن جنگ صلیبی علیه انتقال آزاد اخبار و اطلاع رسانی و خفه کردن آن به میدان می آید. هیلاری کلینتون آن را حمله به جامعه جهانی می نامد، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا تصمیم به انتشار آن را بسیار خطرناک توصیف می کند. تهدید قضائی و پیگرد قانونی از کمترین تهدیدهاست. خانم ساراپلن آسانز را تروریست اطلاعاتی می نامد که هم چون بن لادن باید دستگیر و کشته شود! حرب جمهوری خواه لایحه ای را علیه آسانز برای تصویب در سنا فراهم می کند. فشار برای خود سانسوری و انتقاد به خویشتن داری در اثناء منابع اطلاعاتی و قربانی کردن منافع ملی آمریکا به اوج می رسد. در متن این واکنش های خشمگینانه و تهاجم سخت نمایندگان رسمی و غیر رسمی نظم حاکم، آسانز عنصری تروریست و جنایتکار و خطرناک نامیده می شود. به خطر انداختن جان نظامیان آمریکائی و غیر نظامیان به عنوان سس تحریک کننده بکرات مورد استفاده واقع می شود. پنتاگون که قبلاً اخطار داده بود که انتشار اسناد نهایت بی مسئولیتی

خواهد بود، پس از انتشار برای بررسی پی آمدهای آن ستاد فوق العاده ای از صدکارمند تشکیل می دهد. همزمان مقامات و کارگزاران ریزودرشت و دیکتاتورهای وابسته به دولت آمریکا از این که زدوبندها و اظهارات پشت پرده و مغایر با ژست های علنی اشان، بدلیل بی لیاقتی دستگاه دیپلماسی آمریکا در حفظ اسرار از پرده برون افتاده خشمگین می گردند و زبان به شکوه می گشایند. در این میان بدیهی است که به اعتماد به رازنگهداری دیپلماسی ارباب بزرگ جهان خدشه وارد شده است.

آیا برآستی هم چنانکه برخی عنوان کرده اند این یک سونامی بود که آب در لانه مورچگان افکند؟ هرچه که بود سران و کارگردانان رسمی و غیررسمی نظامی که آزادبودن آن سرلوحه افتخاراتشان را تشکیل می داد نقاب از چهره برافکندند و با سیمای دیگری بر روی صحنه ظاهر شدند. سرانجام فشارهای پیدا و پنهان دولت آمریکا بر سوئد و سرباز پرس آن برای بکار انداختن کیفر قضائی به بارنشست. پلیس انترپول وارد صحنه شده و آسانژ در انگلیس خود را به پلیس معرفی کرد و بازداشت گردید، تافلا دشت اول گوشمالی بابت این تمرد خود را بچشد. پرونده سازی و تاخت زدن همزمان دو پرونده ناهم خوان به یکدیگر، یکی از نوع سیاسی و دیگری از نوع اخلاقی، ایراد فشار به یک نافرمان سیاسی و مدنی در مقیاس جهانی تحت اتیکت اخلاقی هم برای خراب کردن حریف و جنبش ضد انحصار اطلاعاتی و هم کاستن از اقتضاح مقابله با جریان آزاد اطلاعات، برای ما ایرانی ها لا اقل ناآشنا نیست. چرا که رنگ و بوئی از برخوردهای مألوف جمهوری اسلامی را بر پیشانی خود دارد. آیا وجود چنین قرابتی شگفت انگیز نیست؟ نه! اگر توجه کنیم، نظامی که جمهوری اسلامی وین لادن ها و... را در بطن خود پروراند و می پروراند، بهمان دلیل اگر خود زمانی هم چون نظام ولایت فقیه منافعش در معرض تهدید قرار گیرد، بالقوه واجد همان رذالتی است که تیلورش را به تمامی در جمهوری اسلامی شاهد هستیم.

**کانونی شدن مبارزه حول حق دانستن برای همه، با حق انحصاری اطلاعات و پنهان نگهداشتن آن.**

بهر صورت با دستگیر شدن آسانژ و مسدود کردن سایت و منابع مالی آن، نه فقط اصل ماجرا علیرغم جنبه انحرافی دادن به آن، فروکش نکره است، بلکه همانطور که طبیعت این رویداد اقتضای کرد، بیش از پیش دورویکرد فوق کانونی شده است. برگ انجیر دموکراسی و حقوق بشر ادعائی سخت ترک برداشته است. البته از دیرباز گشودن دفاتر پنهان معاملات سیاسی و اقتصادی و نظامی دولتها از خواستهای جریان های واقعا دموکرات و رادیکال و سوسیالیستی بوده است؛ اما آنچه که اکنون تازگی دارد آن است که رشد نیروهای مولد و امکانات ارتباطی جوامع نوین به چنان حدی رسیده که قادر است در مقیاس تازه ای، و البته نه هنوز بطور جامع و کامل، آن را به نظام حاکم سرمایه داری تحمیل کند.

علاوه بر آن مسأله اصلی چون و چرا بر سر ارزش اطلاعاتی که منتشر شده نیست، گرچه آن نیز به جای خود مهم است و افشاکننده؛ بلکه درهم شکستن انحصار اطلاعاتی به مثابه بخشی از خصیصه نظم موجود است. بی شک آنچه که انتشار یافته به منزله کوه نوک یخی است از بدنه غول پیکر و در حال گسترشی که نهان است و آکنده از زدوبندها و توطئه ها و زمینه سازی جنگ افروزی ها و معاملات و فسادهای بی کرانی که به بهانه سوءاستفاده دشمن و منافع ملی و امثال آن، بدقت از چشم و گوش شهروندان دور نگهداشته می شود. اگر بنا به حکم و خواست دستگاه و سران نظم حاکم باشد، الحق و الانصاف باید اقرار کرد که آنها به فرآورد نیاز زمان آمادگی آن را دارند که بصورت بهداشتی و کنترل شده هر از چندی گوشه هائی از این کوه پنهان را در برابر انظار عمومی قرار دهند. مثلا آمادگی آن را دارند که با تناوب چهل ساله و پس از کهنه شدن اطلاعات و برای نسل جدیدی که فاقد ذهنیتی پیرامون فجایع صورت گرفته است، و یابرای ثبت در تاریخ و ضمنا حفظ ژست دموکراتیک، آنها را از آرشیو طبقه بندی شده خود بیورند.

در واقع آنچه که بیش از افشاء 250 هزار سند محرمانه موجب چنین واکنش های خشم آلودی گردید، بیش از آنکه ناظر به محتوای اطلاعاتی آن باشد، خطر در هم شکسته شدن انحصار اطلاعاتی و طلیعه ظهور عصری با ویژگی حق دانستن برای همگان، آنهم در همان لحظه وقوع است. اگر دموکراسی برآستی آنگونه که ادعای کنند بنام مردم و اراده آنها عمل می کند، چرا باید در غیاب آنها و بی خبر نگهداشتن آنها تصمیم گیری شود؟ چرا نباید به گونه ای پیش برده شود که امکان مشارکت فعال و به موقع در فرایندهای تصمیم گیری را فراهم سازد؟ بر اساس اطلاعات موجود در خود آمریکا 800 هزار نفر بفرآورد پست و مقام خود حق دسترسی و برخورداری از این گونه اطلاعات و اسناد محرمانه را دارند. بهم ریختن این "کاست" کارگزاران دولتی و انتشار آن به وسعت شهروندان جهان، بی گمان عنصری از جنس شکستن را در خود دارد. و اگر بقبول فو کو اطلاعات خود قدرت است، و در جهان امروز بویژه اطلاعات با تولید و زیست آدمیان پیوند تنگاتنگی پیدا کرده است، آنگاه معلوم می شود که انحصار اطلاعاتی یکی از مؤلفه های مهم اقتدار جدا شده از مردم یعنی نیروی بر فراز مردم و بیگانه و سرکوب گر است. از سوی دیگر اگر قرار باشد تک تک شهروندان بتوانند در همه حوزه های زندگی اجتماعی خود مداخله و مشارکت واقعی داشته باشند، نیاز زدن اجتماعی به آن هم چون نیاز زدن به اکسیژن است. از این رو رابطه زنده و متقابلی بین اطلاعات زنده و کنش های آگاهانه و به موقع، بین مشارکت و مداخله مستقیم با حق دانستن و آگاه شدن، وجود دارد. در این رابطه تمایز بین اطلاعات مرده و اطلاعات زنده و به موقع در ایجاد کنش های آگاهانه و به موقع واجد اهمیت است. دموکراسی و گردش آزاد و به موقع اطلاعات، رابطه تنگاتنگی با هم دارند. با چرخش آزاد اطلاعات البته فریب دادن و مقهور ساختن و رام کردن افکار عمومی دشوار ترمی گردد و چه بسا وقوع کنش های به موقع و با خصلت باز دارندگی از وقوع بسیاری فجایع جلوگیری کند. اگر به پذیریم که بخشی از سازماندهی توده و اروفا نشیستی مدیون استفاده کنترل شده و جهت داده شده و بعضا نادرست از "اطلاعات" به افکار عمومی و بسیج آنها تحت عناوین امنیت و منافع ملی و نژاد و برانگیختن احساس خطرهای موهوم و مبالغه شده است، آنگاه به اهمیت درهم شکستن این انحصار و سست شدن پایه های این نوع بهره برداری ها توسط حافظان و بهره مندان نظم حاکم بهتری خواهیم برد.

اگر اطلاعات خود قدرت است و جریان آزاد اطلاعات فی نفسه در خدمت شکل دادن به کنش های آزاد و آگاهانه است، پس در هم شکستن انحصار آن به معنی بازگشت بخشی از قدرت جدا شده به منشأ اصلی خود است. گرچه این نه همه ماجرا، بلکه تنهایی از مولفه های قدرت است که می تواند به نوبه خود مولفه های دیگر قدرت را زیر فشار قرار می دهد.

**انحصار اطلاعاتی همزاد انحصار قدرت و ثروت و ساختارهای سلسه مراتبی و بالاسری متعلق به نظم مستقر است.** از همین رو اگر نه هنوز در هم شکستن که تضعیف یکی از این ستون ها، هم چون بازی دومینو می تواند به تضعیف سایر ستون ها بیانجامد. از سوی دیگر اگر قرار است دموکراسی فراگیر و مستقیم و مشارکتی در همه حوزه ها حاکم بر مناسبات انسانها باشد، حق دانستن همگانی به مثابه شرط لازم آن، بخشی از فرایند فروپاشی نظم حاکم و بخشی از سازوکارهای جهان و نظم جایگزین محسوب می شود.

نفس واقعه و یکی لیکس به معنی پیشروی یک گام به جلو توسط نیروئی است که صدای شکستن استخوان انحصار اطلاعاتی و انحصار اقتدار استوار بر آن را، بگیرم که نه هنوز بطور قاطع و کامل، بگوش می رساند و یکی از پایگان نظم و قدرت متمرکز و جدا از مردم را مورد چالش قرار می دهد.

البته جهان موجود و کشمکش های جاری در آن پیچیده تر از یک تصویر خالصا دوقطبی و امکان وقوع سریع دگرگونیهای سراسری و همه جانبه است. اما جهانی شدن سرمایه در ذات خود نه فقط نقش فرادست و هژمون دولت-ملت بر تر آمریکا را به طور اخص به چالش می کشد، نقشی که پروژه نیوکان ها در اتخاذ استراتژی یک جانبگی و ایجاد نظم نوین جهانی استوار بر آن بود، بلکه حتی پروژه چندجانبه گرایی دموکراتها را نیز که بدنبال حفظ این برتری در سایه بندوبست و همکاری با سایر قدرت های دست دوم به رهبری ابر قدرت آمریکا است مورد چالش قرار می دهد. شکل گیری یک شهروند جهانی با آگاهی و مطالبات جهانی در ورای مرزهای جغرافیای سیاسی دولت-ملت ها یکی از نتایج اجتناب ناپذیر و نود جهانی شدن است که به تدریج تعلق خاطر به منافع جهانی بشر را ارجح بر منافع دولت-ملت ها و بیش از همه دولت ملت های برتر و دارای امتیازات جهانی می داند. نگاهی به اسناد تاکنون منتشر شده توسط و یکی لیکس روشن می کند که محتوای عمده آن علیه دولت آمریکا و دیپلماسی و سیاست های آن مربوط می شود. و این البته عجیب نیست اگر در نظر بگیریم که روند جهانی سازی اکنون مدتی است که با فاجعه 11 سپتامبر و شروع فاز جدیدی در جهانی سازی مسلحانه بر مدار ابر قدرتی آمریکا گره خورده و هنوز هم در عراق و در باتلاق جنگ 9 ساله افغانستان و وضعیت جنگی در پاکستان و منطقه خاور میانه و نقاط دیگر به حیات خویش ادامه می دهد. افشاگری های و یکی لیکس از قضا چه در مورد عراق و چه در مورد افغانستان بیش از همه همین سیاست جهانی سازی مسلحانه بر مدار ابر قدرتی آمریکا را نشان داده گرفته و کمابیش بیانگر حمایت ضمنی شماری از قدرت های دیگر است که خواهان تضعیف این فرادستی و اعمال فشار آن بر خود هستند. بنابراین تضادهای پیچ پیچ اردوی سرمایه داری نیز به سهم خود بستر مناسبی برای تضعیف حریف و ناخواسته در جهت در هم شکستن انحصار اطلاعاتی دولت ها فراهم می سازند. بیهوده نیست که آماج قرار گرفتن سیاست جهانی سازی مسلحانه توسط دولت آمریکا در افشاگری های و یکی لیکس، بیش از همه نهاد های هم چون ناتو و پنتاگون و نظایران را به عکس العمل واداشته است که در عین حال بیانگر جدال قطب های گوناگون سرمایه در متن جهانی سازی و نقش آفرینی هر کدام به سود بسود منافع قطب مورد نظر خود است. بدیهی است که افشاء جنایتهای جنگی و خصلت قهر آمیز جهانی سازی بیش از پیش منافع دولت-ملت برتر آمریکا را در مخمصه قرار می دهد و حتی می تواند خیز مجدد بازگشت نیوکانه و جمهوری خواهان در غیاب ناکامی های او یا ما را، بادشواری های تازه ای مواجه کند.

### نتیجه گیری

گرچه صحنه رویدادهای جهانی ساده نیست و در حکم یک معادله چند مجهولی و پیچ در پیچ است که در آن می توان هم تضادهای درونی جناح بندی های دولت-ملت آمریکا را مشاهده کرد، و هم رقابت سایر دولت-ملت ها با فرادستی قدرت امپریالیستی آمریکا را، و هم آن بخش از سرمایه داری را که خواهان باصطلاح جهان عادلانه تر و با تبعیض کمتر و سرمایه داری معقول تری هستند (مثل اتک ویا برزیل و...)، و هم آن نیروی گسترده ضد سرمایه داری و مدافع صلح و حفظ و باز یافت محیط زیست را که نوید دهنده جهان دیگری هستند. در هر حال در زیر پوست جامعه جهانی کشمکش وسیعی در دفاع از نظم مستقر جهانی و علیه آن جریان دارد. در این میان برخی رویدادها این کشمکش ها را به روی صحنه آورده و برش مناسبی از آن چه در اعماق می گذرد را به نمایش می گذارند. بی تردید واقعه و یکی لیکس یکی از آنهاست و بطور مشخص برای در هم شکستن انحصار اطلاعاتی نظام مبتنی بر تمرکز و پنهان کاری اطلاعاتی دولت ها. چنین انحصاری به مثابه یکی از مولفه های مهم ساختارهای متمرکز و مبتنی بر جدائی قدرت و ثروت از مولدین آن و آن نوع دموکراسی ارشادی و از بالا محسوب می شود که شهروندان را هم چون ماشین های مطیع و رأی کشی بکار می گیرد. آنچه که در این نبرد تازگی دارد ظهور امکانات و شکل گیری تدریجی اشکالی از مناسبات اجتماعی است که حق آگاه شدن و کنش بر پایه آن را به مثابه شهروند جهانی و برابر برای همه امکان پذیر می سازد. پدیده ای که حاکی از پرمردگی اقتدار دولت-ملت ها بطور کلی و به چالش طلبیدن دولت ملت برتر آمریکا به طور اخص است. بی تردید نباید عبور از این گونه گردنه ها را ساده و بدون فراز و فرود انگاشت. بر عکس چنانکه شاهدیم سرمایه در پی شکاف بوجود آمده نسبت به سست شدن انحصار اطلاعاتی و پی آمدهای ناگوار آن بر سایر ستون ها و مولفه های اقتدار سخت احساس خطر کرده و یورش وسیعی را برای حفظ آن بکار گرفته است. و چه بسا چنانکه به تجربه دیده ایم در کنار سرکوب مستقیم، به انجام فرم هایی با هدف حفظ هسته اصلی این انحصار و مسخ مطالبات جنبش بی شماران و از آن خود کردن آن، مبادرت ورزد. با این همه این مبارزه علیرغم افت و خیزها تار سیدن به نقطه برگشت ناپذیر شکستن کامل چنین انحصاری ادامه خواهد داشت.

از حق دانستن همه گانی گریزی نیست. این روح تپنده زمان است. کنشگری آزاد و آگاه بدون آن ناممکن است.

\*\*\*\*\*

\*-با وجود آنکه فرانسه خودیکی از نقاطی است که کشمش حول این جدال در آن جاری است، جالب است که گردانندگان رادیوی فرانسه بزبان فارسی، در میزگردی که پیرامون واقعه ویکی لیکس و پیرامون جدالی که بین انحصاراطلاعاتی با جریان آزاد اطلاعات درگرفته برگزارکرد، با دست چین کردن سه نفرکه آنها را کارشناس عرصه رسانه ای می خواند، به گفتگو حول این ماجرا پرداخت. جالب است که هر سه کارشناس دارای یک نظر بودند و در واقع کسی که مدافع جریان آزاد اطلاعات باشد در بین آنها وجود نداشت! آنها بایکدیگر در دفاع و ضرورت حفظ حرمت نظم موجود و خطرناک تلقی کردن جنبش علیه استتار و طبقه بندی اطلاعات، مسابقه گذاشته بودند. یکی از آنها تورج اتابکی، بدلیل احتمال محتاط تر شدن دیپلمات ها در نگهداشتن اسناد، نگران معضل تاریخ نویسان دهه های آینده در دست یابی به حقایق بود. کسی نبود که باین کارشناس بگوید نگران مباش! چون بجای آن تاریخ نویسی نسبی هم اکنون تاریخ به طور زنده نگاشته می شود! وانگهی اگر او تاریخدان است مگر تاریخ پیشروی بشر در حوزه دموکراسی و تعمیق آن بجز از طریق تحمیل رفرم ها و اصلاحات از قبل این گونه فشارها علیه سانسور و اقتدارگرایی صورت گرفته است؟ چرا جنبش کنونی نتواند یک گام سانسور را در هم بشکند تا تاریخ نگاران آینده بتوانند حقایق را شفاف تر به بینند و دقیق تر بنگارند. و این فرض هم که گویا دیپلماسی چنان همه توان است که قادر خواهد شد راه بالکل دیگری را بگشاید در همین آزمون نادرستی اش به اثبات رسید و ایشان قاعدتا بنا به مقتضای حرفه اش باید خوب بدانند که باندازه ای که دموکراسی تعمیق یابد حکمت نهفته در "حق پنهان کاری دولت ها" و این گونه دیپلماسی های سری بی معناتری شود. دیگری محمد محمدی به دفاع از حق طبقه بندی اطلاعات توسط دولت - ملتها پرداخته جنبش ضد سانسور و جریان آزاد اطلاعات را آنارشیک و خطرناک ارزیابی می نماید. او نیز نگران شفاف شدن بیش از حد اطلاعات بود! و بالاخره کارشناس سوم علیرضا مناف زاده، در فریاد مضمح مدعی می شود که شکسته شدن حق انحصار اطلاعات اقدامی آنارشیک بوده و موجب به خطر افتادن صلح جهانی میشود! کسی نبود از این کارشناس خبره سؤال کند آیا در فاجعه جنگ عراق این افشاشدن این گونه اطلاعات بود که موجب جنگ گردید و یا برعکس پنهان نگهداشتن و وارونه کردن آنها؟ و اگر در آن زمان اطلاعات بطور واقعی منعکس می شد، باز هم بوش پسر به این سادگی می توانست چنین جنگ ویرانگری را با فریب افکار عمومی سازمان بدهد؟ و اساسا منشأ جنگ سیاست های توسعه طلبانه دولتهاست یا مردمی که قربانی آند و اگر به اهداف آن آگاه شوند اساسا مخالف آن. وانگهی معلوم نیست با چه منطقی او افشاء سیاست های پنهان نگهداشته شده ای را که از قضا تدارک جنگ ها عموما یکی از آنهاست، برای صلح خطرناک می داند! بگذریم که اساسا مقدمه و مؤخره صحبت ایشان هم خوانائی نداشت. چرا که از یکسو معتقد بود که این افشاگری ها مهم نیستند و تنها شیوه های کار دیپلماسی را تغییر می دهند و از سوی دیگر شکستن انحصار اطلاعاتی را خطری برای صلح جهانی می دانست! بالاخره مهم هستند یا نیستند؟! ناگفته نماند در برابر رویکرد فوق، در اقدامی شایسته گروهی از نویسندگانی و هنرمندان خارج از کشور در بیانیه ای نسبت به دستگیری گرداننده سایت ولی لیکس و خطر گسترش سانسور ابراز نگرانی کردند.

2010-12-17—26-09-89 تقی روزبه

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com>

taghi\_roozbeh@yahoo.com